

مقدمه بر جامعه‌شناسی شهری ایران

[۸]

ی - ترکیب مشاغل در شهرها

از اشارهای که به تحقیق ریسمن جامعه‌شناس امریکائی درباره انواع شخصیت های خاص جامعه امروزی شد این نکته برآمد که بر اثر پیشرفت اقتصاد شهری اهمیت طبقه یا طبقات متوسط قدیم که مالک مایه کار خود بود و به کسبی کوچک اما مستقل می-پرداخت و از نیروی ابتکار بهره داشت و دارای شخصیتی « خود رهبر » بود کاسته می شود و طبقه « بقیه سپید » و سرآستین پاکیزه که در اداره یا دفتر مزدور است و فرمان دیگران می برد قوت و وسعت می پذیرد . طبقه متوسط قدیم در آغاز قرن نوزدهم اکثریت جمعیت شاغل امریکائی را شامل می شد ولی در ۱۸۷ فقط نلت و در ۱۹۴۰ يك پنجم آن جمعیت را تشکیل می داد .^۱ در ایران - چنانکه گفتیم - بازار که جایگاه اصلی طبقه متوسط کهن بود به انحطاط می گراید و در برابر آن خدمت در دستگاههای صنعتی و اقتصادی توسعه پیدا می کند ، حتی در عرصه سیاست هم نفوذ و قدرت از دست کسبه و اصناف بیرون می رود و در حیطه اختیار مدیران و رؤسای ادارات درمی آید .

تحول دیگری که شهر نشینی در ترکیب مشاغل پدید می آورد گذشته از ترویج صنعت و استخراج معدن و حرفه های مشابه^۲ رونق بخشیدن بکار تجارت های بزرگ و دستگاه های مالی عمده چون بانک است - تجارت و صناعت به یمن وجود وازبرکت هم ، رشد و نما و شکفتگی حاصل می کنند - نیم بهای کالای صنعتی هزینه تولید و نیم دیگری از مخارج بازاری اعم از حمل و نقل و بیمه و اعلان و فروش ساخته شده - هر چه شهر پهناورتر است تأسیسات مالی و بازرگانی وسیعتر و « تخصصی » تر را دارا می شود و نسبت فروش به - جمعیت بالا می گیرد ، چنانکه از پژوهشی که A. U. Hawley در این باره در تریلدیک بهزار و هشتصد شهر بزرگ و کوچک امریکائی کرده است .^۳ معلوم می شود که نسبت مذکور در شهرهای بزرگتر چهارصد و پنجاه دلار و در شهرهای کوچکتر چهارصد دلار است . خود این ارقام گواه است بر این که شهر بزرگ دامنه نیازمندیها را گسترش می دهد و شوق مصرف را نیز می کند . از این رو تمرکز مغازه ها و تجارتخانه های عظیم و بانک های سترک اختصاصی در این گونه شهرها امری طبیعی است . يك مطلب دیگر که از بررسی « هولی » بدست آمده است و نقل کردنی است این است که ترکیب سنی جمعیت در نوع کسب و

C. Wright uills : White collar 1951 ۱

۲ - رجوع شود به: 629 - 639 , 6 , 1941 , American Sociological Review

تجارتی که در شهر بازار گرم دارد منعکس می‌گردد مثلاً آن جا که نسبت سالخوردگان فزونتر است مؤسسانی چون داروخانه و دستوران بیشتر دیده می‌شود. گمان می‌رود که ترکیب سنی جمعیت هم در بازار مؤثر باشد: می‌دانیم که در شهرهای کلان باختر زمین نسبت درصد زنان بیش از آن است که در نقاط کوچکتر بشماره می‌آید^۱ پس احتمال می‌توان داد که در شهرهای نخستین نیز خرید و فروش متاعهای تجملی بالنسبه زیاده‌تر صورت گیرد. البته فراوانی زنان در شهرهای بزرگ تنه‌علت رونق این امتعه نیست. برتری مقدار درآمد متوسط سرانه جمعیت این شهرها نیز خود عامل مهمی است. در ده‌ها این تجمل‌خواهی به حد اقل می‌رسد و محدودیت عایدی، مانع آراستگی و فاخری زندگی می‌شود. حتی در امریکا به سال ۱۹۴۰ درآمد متوسط هر فرد دهقان یک چهارم درآمد شهرنشین بوده است و گرچه از آن سال تا کنون بهبود نمایانی در معیشت روستائیان رخ داده است اما این شکاف عمیق کاملاً پرنشده است.

در ده‌های ایران شدت سادگی حیات و محدودی حوائج و تنگی دائره داد و ستد امری واضح و بی‌نیاز از برهان است. حتی در گذشته پول در اقتصاد روستائی راه نداشت و خانواده که واحد اساسی اقتصادی بود خود تولید و خود مصرف می‌کرد و نیازهای قلیل و کم تنوع خویش را از راه مبادله کالا یا خدمات برمی‌آورد. امروزه هم گرچه در دههای زمان اقتصادی به مسیر «تهیه پول» افتاده است و کشاورزان بیشتر به تولید محصولی رغبت دارند که در شهر قابل فروش باشد و رفع احتیاجات مصرفی خانه دیگر یگانه منظور نیست^۲ اما باز مبادله نقدی و تجارت کبابش چندان ندارد و بیله و در و حمامی و میراب و جز ایشان در مقابل متاع یا خدمت خود، از دهقان گندم می‌ستانند یا کار قبول می‌کند.

ترقی شهر نشینی - چنانکه دیدیم - تقسیم کار را وسعت می‌دهد و ساختمان اقتصادی را پیچیده می‌کند و مشاغل تخصصی را فزونی و گونه‌گونی بی‌حساب می‌بخشد.

۱- مثلاً در آلمان (سال ۱۹۲۵) نسبت زنان در برابر هزار نفر مرد چنین بوده است: در مناطق روستائی و شهرهای خرد ۱۰۸۱ - در شهرهای کوچک و متوسط ۱۰۸۹ و در شهرهای بزرگ و کلان ۱۱۴۶ - در امریکا (۱۹۴۰) نسبت عدد مردان به زنان در سراسر کشور ۱۰۰۷ به هزار بوده و در مناطق شهری ۹۵۵ به هزار. اما در ایران در اکثر شهرهای بزرگ شماره زنان کمتر از مردان است (مثلاً در شهرهای اهواز - کرمانشاه - طهران - آبادان - اصفهان - تبریز در مقابل هزارتن مرد ۸۷۰ تا ۹۵۰ زن بیشتر شمرده نمی‌شوند) در حالی که در بعضی از شهرهای متوسط و کوچک نسبت زنان اندکی بالاتر و حتی گاه بیش از مردان است. این ارقام نشان می‌دهد که مهاجرت مردان به شهرهای مرکزی بسیار مهمتر از مهاجرت زنانی است که به جستجوی محیط آزاد و کار به این شهرها روی می‌آورند.

۲- مثلاً فلاحان و زارعان امریکائی ۸۵ درصد از محصول خود را بفروش می‌گذارند (آمار ۱۹۴۰)

از جمله نتایج این احوال این است که ضرورت وجود کارگر ماهر بسیار شدید می شود و دستگاه های آموزش حرفه ای در شهرها به کار می افتد و با تکامل صنعت نسبت کارگران متخصص بر کارگران غیر ماهر تفوق می یابد بر آوردی که سازمان برنامه و وزارت کار از منابع و احتیاجات « نیروی انسانی » در ایران کرده اند (مهرماه ۱۳۳۷ - اکتبر ۱۹۵۸) شماره افرادی را که به مشاغل مختلف شهری پرداخته اند بالغ بر $\frac{1}{4}$ میلیون می داند (۲۷ درصد کل جمعیت شهرنشین - این نسبت برای امریکا ۳۹ درصد است) از این عده ۷۱۸ هزار نفر یا اندکی بیش از ۵۲ درصد به مشاغل مربوط « به صنایع و حرفه ای که عمل آن تغییر شکل مواد اولیه است » روی نهاده اند از آن جمله فقط یک ثلث (نزدیک به ۲۳۹ هزار نفر) کارگر غیر ماهر شناخته شده اند و بقیه سرکارگر و سرپرست و کارگر ماهر یا نیمه ماهر پیشه و صنعت هستند . شماره انواع مشاغل شهری بنا به این تحقیق از ۳۲۰ می گذرد .

* * *

جوانی جمعیت از خصوصیات کشورهایی است که رشد اقتصادی کم دارند این امر از کثرت موالید و کوتاهی عمر ناشی است و سدی در برابر پیشرفت اقتصادی این ممالک است . جدول زیر این مطلب را بروشنی عرضه می کند :

نوع مملکت از نظر اقتصادی	درصد اطفال کمتر از ۱۵ ساله به کل جمعیت	در صد افراد ۶۵ ساله به بالا	درصد افراد واقع در سن فعالیت (۱۵-۶۵)
توسعه یافته	۲۲-۳۰	۱۰ و بیشتر	۶۵ بایشت
کم توسعه	۴۰ و بیشتر	۳-۴	کمتر از ۶۰

ملاحظه می شود در ممالک کم رسته نسبت کمتری از جمعیت در سن فعالیت واقع است و جمع بیشتری سربار دیگران می باشد و از رنج دست سابرین نان می خورند . راست است که در این گونه کشورها نسبت زیاد تری از کودکان بکار مشغول هستند و عده کثیری از سالخورده گان در تلاش تحصیل معاش مانده اند . اما این کشیدگی سن فعالیت از دوسوی ، آن رشته را چندان دراز نمی کند و خصوصاً کار خردسالان ، میزان تولید را چندان فرساز نمی برد . در ایران - اگر از کشاورزی چشم پیوشیم - ابوه کودکان را بیشتر در صنعت قالی بافی می بینیم تخمین زده می شود که از ۱۲۹ هزار کارگر که باین پیشه اشتغال دارند ۵۲ هزارتن (۴۰ درصد) خردسال هستند و مزد اندک می گیرند و بهره ناچیزی به خانواده خود می رسانند . این کم عمری در مورد کار زنان نیز تا اندازه ای صادق است و اجرتی که بسیاری از آنان در قبال زحمت خود بدست می آورند رقم معتناهی را در بوجه خانوادگی تشکیل نمی دهد . پانزده سال پیش در امریکا پژوهشی درباره پانزده هزار خانواده که یکی از اعضای آنان آن به کار تحصیل روزی پرداخته بود انجام گرفت معلوم شد که درسه پنجم آن موارد

درآمد اضافی که از کوشش زنان به‌خانه می‌رسید چندان مهم نبود و جمع عوائد خانواده‌ها را از دوهزار دلار در سال (که بدرجاست از درآمد متوسط در آن مملکت پائین‌تر است) تجاوز نمی‌داد. بکار کماری زنان در مغرب زمین هم گاه بیشتر به «استثمار» شبیه‌است تا به استفاده شایسته و تقریباً در همه‌جای دنیا پایه حقوق و عوائد مردان بلندتر است و زنان برای کار مساوی پاداش کمتر می‌گیرند.

در عصر ما، گرچه زنان بیشتر مشاغل را به دست گرفته و آزموده‌اند، اما هنوز پاره‌ای از کارها «اختصاص جنسی» دارد در عرصه زراعت این اختصاص را در برنجکاری و چای چینی می‌توان دید که در شمال ایران این کار خاص زنان شناخته شده است بعضی از جامعه‌شناسان و از جمله ایشان کاستون ریشارد^۱ عقیده دارند که اصولاً کشاورزی در آغاز به زنان سپرده می‌شده است و تداعی میان تصور باروری زمین و فرزندآوری زن منشاء این اختصاص شغلی بوده است - هنوز هم در قبائل ابتدائی - و به زبان درست‌تر اقوامی که فرهنگ غیر مکتوب دارند - دانه افشایی کار زنان است.

اما در زندگی جدید شهری نیز تراکم زنان در برخی از مشاغل بیشتر مشاهده می‌شود: در فعالیت‌های دسته دوم، قالی بافی و نساجی و صنایع پوشاک و غذایی را باید نام برد و در فعالیت‌های دسته سوم، خدماتی چون معلمی منشی‌گری؛ آرایشگری، خدمتکاری مامائی، پرستاری و مانند آن‌ها را. تحقیق مشترک سازمان برنامه و وزارت کار که پیش از این ذکر کردیم جمع کل زنان شاغل در سال ۱۳۳۷ را بالغ بر ۶۸۳۲۲ زن می‌شمرد (۵ در صد نیروی کار در ایران) از این عده ۵۶۳۶ نفر در امور اداری و دفتری هستند ۴۳۶۳ نفر قابل ۷۰۲۰۱ به خدمات خانگی و عمومی مشغولند ۱۳۳۳۶ نفر (نزدیک به بیست درصد) تعلیم دروس غیر فنی می‌کنند و ۲۲۵۵۷ (۳۳ درصد) با مشاغل مربوط به نساجی سرکار دارند ۲۷۶۷ نفر خیاط یا کارگر لباس دوز هستند. اگر صنایع غذایی را هم بر این فهرست بیفزائیم (۳۷۵۱ زن) مهمترین مشاغل زنان را برشمرده‌ایم [دنباله دارد]

جمشید بهنام - شاپور راسخ